



به همراه زندگی‌نامه علمی ملاصدرا

سید یدالله یزدان بناه

تدوین و نگارش: رضا درگاهی فر

سخن ناشر

با وقوع انقلاب اسلامی که نقطه عطفی در تاریخ تحولات معاصر جهان محسوب می‌شود، ایران اسلامی آغازگر تقابلی تاریخی با غرب شد. ایران اسلامی به رهبری امام راحل رحمۃ اللہ علیہ پرچم استقلال سیاسی و فکری را برافراشت و در گام اول موفق به تحقق هدف استقلال سیاسی گردید. برای رسیدن به استقلال فکری هرچند از آغاز شکل‌گیری نهضت تاکنون تلاش‌های فراوانی صورت بسته است اما هنوز راهی طولانی و پر پیچ و خم باقی مانده است. بی‌تردید در این راه پرنشیب و فراز یکی از نقاط محوری تکیه بر سنت و تراث عقلی اسلامی است. تراث عقلی اسلامی برای این‌که راه خود را در عصر کنونی در مسیر تحقق دانش‌های دینی به خوبی باز کند در قدم اول باید به خوبی تقریر و تبیین شود. از این‌رو باید تلاش‌های دانشی متعددی رقم بخورد و آثار متعددی برای تقریر و تبیین آن پدید آید. در چنین فضایی نشر آثار حکمی ضرورتی دوچندان می‌یابد، ضرورتی که گاه در میانه حوادث و تلاطم‌های سیاسی-فرهنگی به فراموشی سپرده می‌شود.

در میان دستگاه‌های حکمی و مکاتب فلسفه اسلامی، به حق، حکمت متعالیه سزاوار نام و عنوان "متعالیه" است. هرچند در روزگار ما این دستگاه غنی فلسفی موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته و آثار متعددی پیرامون آن شکل گرفته است، اما هنوز

ابعاد و زوایای متعددی در اطراف آن وجود دارد که مورد کنکاش محققان واقع نشده است. کتاب پیشرو گامی مبارک و پیشرو در ارائه حکمت متعالیه صدرایی در قالبی نوین است که می‌تواند خواننده را با نگاهی ویژه به تماشای دستگاه شکوهمند این حکیم گرانقدر بکشاند.

انتشارات آل احمد علیه السلام بر خود لازم می‌داند از استاد گرانقدر حضرت آیت‌الله سید یدالله یزدان‌پناه که این کتاب محصول بیان و بنان ایشان است، تشکر و قدردانی نماید. همچنین لازم می‌داند از مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات که در آماده‌سازی این اثر برای نشر زحمات فراوانی متحمل شدند، کمال تشکر خود را به عمل آورد.

علی رستمی

مدیر انتشارات آل احمد علیه السلام

سخن مؤسسه

تاریخ علوم اسلامی از ابتدای شکل‌گیری تاکنون فراز و فرودهای متعددی به خود دیده است؛ از شکل‌دهی به دستگاه و نظام اندیشگانی تا بسط و توسعه‌ها، نقد و مقابله‌ها و...؛ در این میان هرگاه عالمی مؤسس رخ نموده است با تکیه بر تراش پیشینی و استفاده از ظرفیت‌های دانشی قبلی و نیز نبوغ و قوت علمی خود، دانش به جهت محتوا، ساختار، روش و عمق پرداخت و تحلیل مسائل رشدی متمایز و چشمگیر داشته است. عمده‌تاً مؤسسان در دانش‌ها به جهت دغدغه و رسالت تاریخی، سعی در بیان اندیشه جدید و ارائه تقریرهای متعدد از آن و پاسخ به اشکالات و شبهات احتمالی می‌کنند و حجم انبوهی از آثار ایشان را چنین فضایی پر می‌کند. هر چند اصل اندیشه در ذهن ایشان نظامی منسجم دارد ولی بیان منسجم و دستگاه‌وار آن، گاه و بلکه اغلب بوسیله خود دانشیان مؤسس صورت نمی‌گیرد و این رسالت بر دوش پیروان بعدی آن دانشمند می‌افتد. این نکته به‌وضوح، ضرورت پرداخت نظام‌مند و سازوار به اندیشه‌های دانشمندان به‌ویژه مؤسسان و نوآوران هر دانش را نمایان می‌سازد.

از دیگر سو ارائه منسجم و نظام‌مند یک اندیشه علاوه بر سهولت انتقال آن، موجب فهم بهتر و دقیق‌تر شده و زمینه را برای تلاش‌های علمی بعدی در آن دانش فراهم‌تر می‌سازد.

حکمت اسلامی و حکیمان مؤسس و نوپرداز نیز از این قاعده خارج نیستند؛ پرداخت نظام‌مند و سازوار به اندیشه حکیمان به‌ویژه مؤسسان و علی‌الخصوص صاحبان مکتب فلسفی ضرورتی انکارناشدنی دارد.

اساساً در چنین فضایی است که حکمت می‌تواند به خوبی بسط و ترویج داده شود و این کار زمینه را برای فهم، بازخوانی و بازتقریر، نقدهای عالمانه و در نهایت امتداد بخشی به خوبی فراهم می‌سازد.

اثر پیش‌رو که محصول تلاش‌های علمی گران‌سنگ استادی مسلم در حکمت و عرفان اسلامی است، چنین رسالتی را برعهده گرفته است. جناب استاد سید یدالله یزدان‌پناه رحمته‌الله با تسلطی کم‌نظیر بر حکمت متعالیه و با بیانی روان و جذاب، نگاهی دستگاه‌وار و نظام‌مند به تراث علمی صدر حکما یعنی صدرالمآلهین انداخته و ابعاد مختلف و اساسی این اندیشه را شناسایی کرده‌اند و در نهایت طرحی نو در نگاه سازوار به حکمت متعالیه درانداخته‌اند. تسلط همه‌جانبه بر حکمت متعالیه و تتبع فراوان استاد توانسته طرح ایشان را بسیار جذاب و کاملاً مستند به نگاه‌های صاحب این مکتب سازد که از این حیث در نوع خود کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است.

قلم روان و فنی فاضل گراندقدر حجة الاسلام والمسلمین رضا درگاهی فرید نیز توانسته به خوبی پژوهش استاد و نگاه ژرف ایشان را به رشته تحریر درآورد.

معاونت پژوهش از استاد گراندقدر به خاطر همکاری در نشر این اثر و نیز از فاضل گرامی حجة الاسلام والمسلمین رضا درگاهی فرید که زحمات بسیاری در نهایی شدن این اثر متقبل شدند، کمال تشکر را دارد. امید است این اثر، گامی نو در پرداخت به حکمت متعالیه و نیز در انتشار دیگر آثار حکمی استاد عزیز باشد و مورد رضایت خداوند متعال و ولی عصر عجله‌الله تعالی فرجه‌ه واقع شود، ان شاء الله.

مهدی صداقت

معاون پژوهش موسسه آموزشی و پژوهشی نفحات

فهرست اجمالی

۳۳	فصل اول / نگاهی به زندگی نامه علمی ملاصدرا
۱۰۱	فصل دوم / مختصه اول / فلسفی بودن حکمت متعالیه
۱۶۷	فصل سوم / مختصه دوم / وجودی بودن حکمت متعالیه
۲۱۵	فصل چهارم / مختصه سوم / روش فلسفی حکمت متعالیه
۲۹۹	فصل پنجم / مختصه چهارم / هضم آموزه های اسلامی در حکمت متعالیه
۳۷۱	فصل ششم / مختصه پنجم / هضم آموزه های عرفان نظری در حکمت متعالیه
۴۱۹	خاتمه
۴۲۷	فهرست ها
۴۵۷	چکیده

فهرست تفصیلی

۲۱	پیشگفتار
۲۷	مقدمه

فصل اول

نگاهی به زندگی نامه علمی ملاصدرا

۳۵	نام و القاب
۳۸	ولادت
۴۰	ادوار و مواطن زندگی
۴۱	دوره نخست: تحصیل
۴۱	هجرت به قزوین
۴۴	مسافرت به اصفهان
۴۷	فضای فلسفی دوران تحصیل ملاصدرا
۵۲	آشنایی با عرفان و گرایش بدان
۵۴	دوره دوم: دوره انزوا، ریاضت، کشف و تحقیق

۵۴	مهاجرت به قم (کهک)
۶۴	— دوره سوم: دوره تألیف و بسط و نشر حکمت متعالیه
۷۲	هجرت به شیراز
۷۵	— بررسی سه نکته
۷۵	— اول: ازدواج ملاصدرا با دختر ضیاء العرفای رازی
۷۸	— دوم: تحصیل ملاصدرا در کاشان
۸۰	— سوم: شیوه نگارش ملاصدرا
۸۲	— وفات
۸۵	— اساتید
۸۵	— شیخ بهانی
۹۰	— میرداماد

فصل دوم

مختصه اول: فلسفی بودن حکمت متعالیه

۱۰۳	— درآمد
۱۰۶	— موضوع فلسفه اولی
۱۰۶	— دیدگاه ارسطو
۱۱۰	— دیدگاه ابن سینا
۱۱۴	— دیدگاه ملاصدرا
۱۱۹	— منظور از قید «بما هو موجود»
۱۲۷	— غرض فلسفه اولی
۱۳۰	— کارکردها و فایده‌های فلسفه
۱۳۰	— معنابخشی به زندگی
۱۳۱	— تمدن‌سازی
۱۳۱	— پشتیبانی از دانش‌های دیگر

۱۳۲	فراهم آوردن زبان مشترک جهانی
۱۳۲	دین‌شناسی عمیق و محققانه
۱۳۳	ارتقای دانش کلام
۱۳۴	روش فلسفه اولی
۱۳۶	انواع کنش‌های عقل نظری
۱۳۷	عقل اولی
۱۳۸	عقل شهودی
۱۴۲	عقل شبه‌ساز
۱۴۳	عقل تحلیلی
۱۴۵	عقل کلی‌یاب
۱۴۸	عقل توصیفی
۱۵۰	عقل استدلالی
۱۵۳	عقل انسجام‌بخش
۱۵۴	مسائل فلسفه اولی
۱۵۳	ابزارهای مفهومی خاص فلسفه اولی
۱۶۲	نتایج متفرع بر بحث‌های پیشین
۱۶۲	هویت فلسفه
۱۶۲	۱. همگانی بودن فلسفه
۱۶۴	۲. تمایز فلسفه از کلام
۱۶۵	۳. تمایز فلسفه اشراقی با عرفان نظری
۱۶۶	تأثیر این مختصه بر مختصات دیگر

فصل سوم

مختصه دوم: وجودی بودن حکمت متعالیه

- ۱۷۱ — وجود به مثابه نقطه آغاز
- ۱۷۳ — معیارهای مناسب بودن نقطه آغاز
- ۱۷۳ — ابزار و مبانی لازم
- ۱۷۵ — دستگاه سازوار هستی‌شناختی
- ۱۷۶ — برخورد وجودی با مسائل فلسفه
- ۱۷۹ — باشکوه بودن دستگاه فلسفی حکمت متعالیه
- ۱۸۱ — قدرت‌های حاصل آمده از نگاه وجودی در حکمت متعالیه
- ۱۸۱ — اول) حل مسائل نو
- ۱۸۴ — دوم) راه‌حل‌های نو برای مسائل کهن
- ۱۸۷ — سوم) ارائه استدلال‌ها، تحلیل‌ها و تنقیح‌های نو برای مسائل پیشین
- ۱۸۸ — چهارم) ارائه استدلال‌ها و تبیین‌های وجودی برآمده از آموزه‌های ژرف و ...
- ۱۸۹ — پنجم) حل برخی نزاع‌ها
- ۱۹۱ — ششم) بهره‌گیری از برخی آموزه‌های عرفانی به مثابه قواعد فلسفی ...
- ۱۹۴ — امکان گسترش دستگاه وجودی صدرایی
- ۱۹۴ — گسترش در قلمرو الهیات صدرایی
- ۱۹۶ — گسترش در قلمرو فلسفه‌های مضاف
- ۱۹۸ — نتایج رویکرد وجودی حکمت متعالیه
- ۱۹۸ — اول) جامعیت فکری و هویت جدید حکمت صدرا
- ۲۰۲ — دوم) امکان تفکیک مباحث صدرایی از طبیعیات قدیم
- ۲۰۳ — سوم) راه شناخت دیدگاه‌های نهایی صدرا
- ۲۰۴ — چهارم) امکان تکمیل برخی مطالب صدرایی
- ۲۰۵ — پنجم) روی آوردن به نگرش عرفانی
- ۲۰۶ — ششم) متفاوت بودن نگاه و دیدگاه صدرایی در بحثهای مشابه
- ۲۰۷ — مکتب و خرده‌مکتب صدرایی
- ۲۰۸ — معیارهای شکل‌گیری مکتب فلسفی

۲۰۹	معیارهای کمال مکتب فلسفی
۲۱۱	خرده مکتب
۲۱۲	پیروان محقق مکتب
۲۱۲	عرضه منسجم و نظام مند آموزه‌ها
۲۱۳	ارائه استدلال‌ها و تبیین‌های نو
۲۱۳	نقض و ابرام برای زدودن کاستی‌ها

فصل چهارم

مختصه سوم: روش فلسفی حکمت متعالیه

۲۱۷	درآمد
۲۱۸	مکتب و مشرب
۲۱۸	روش عام و روش خاص
۲۲۰	سنت اشراقی و سنت بحثی
۲۲۱	روش اشراقی در تاریخ فلسفه اسلامی
۲۳۴	حکمت متعالیه و روش اشراقی-بحثی
۲۳۷	مبانی بهره‌گیری حکمت متعالیه از شهود
۲۳۸	۱. واقع‌نمایی و حجیت شهود
۲۳۹	۲. برتر بودن راه کشفی از راه عقلی
۲۳۹	الف) ضعیف بودن معرفت از راه لوازم و آثار
۲۴۱	ب) معرفت عقلی، دیدن از راه دور و در هوای غبار آلود است
۲۴۱	ج) ناممکن بودن شناخت حقیقت فصل از راه عقل
۲۴۳	د) لزوم شهود مبادی عالی برای شناخت اکتناهی اشیا
۲۴۴	ضرورت بهره‌گیری از شهود در فلسفه
۲۴۴	۱. پیچیدگی و لطافت حقایق عوالم برتر
۲۴۷	عقل منور

۲۵۰	۲. تجربه خود فیلسوف
۲۵۵	همراهی برهان با شهود در روش فلسفی صدرالمتألهین
۲۶۵	مبانی روش خاص فلسفی صدرالمتألهین
۲۶۶	۱. مخالف نبودن برهان حقیقی و کشف مصیب
۲۷۱	۲. محدودیت عقل
۲۷۵	۳. عقلی بودن فعالیت فلسفه‌ورزی
۲۷۵	فلسفی کردن شهود با عقل منور
۲۷۶	دستاوردهای شهود برای عقل منور
۲۷۶	۱. فهم درست حقایق
۲۸۳	۲. دستیابی به حد وسط
۲۸۶	۳. هدایت عقل به گونه سلبی
۲۸۷	۴. هدایت‌گری عقل به گونه ایجابی
۲۸۸	لزوم ممارست عقلی برای فلسفی کردن شهود
۲۸۹	تذکار نکاتی درباره روش خاص فلسفی ملاصدرا
۲۸۹	۱. مراد از مشرب اشراقی در فلسفه
۲۹۰	۲. پذیرش روش اشراقی با تحلیل و استدلال عقلی
۲۹۱	۳. تعیین بخشی عقل به خود
۲۹۱	۴. علل گرایش ملاصدرا به روش اشراقی
۲۹۲	الف. شریعت
۲۹۴	ب. بستر آمادۀ فلسفی
۲۹۴	ج. سنت عرفانی شکل گرفته در دورۀ اسلامی
۲۹۴	د. اساتید باورمند به شهود
۲۹۴	۵. نیرومند شدن عقل سلیم در پی حکمت متعالیه
۲۹۵	۶. روش طبیعی ملاصدرا در مقام اثبات، افزون بر روش اشراقی ...

فصل پنجم

مختصه چهارم: هضم آموزه‌های اسلامی در حکمت متعالیه

۳۰۱	— درآمد
۳۰۳	— بستر تاریخی بهره‌گیری از دین در فلسفه
۳۰۸	— علت توجه فیلسوف به متن دینی
۳۰۹	— نفس مستکفی
۳۱۶	— عقل کل بودن نبی
۳۱۸	— حقیقت وحی
۳۲۶	— مبانی ملاصدرا در بهره‌گیری از دین در فلسفه
۳۲۶	— ۱. معرفتی بودن ساحت معارفی دین
۳۲۷	— ۲. برترین بودن هستی‌شناسی قدسی دینی
۳۲۹	— ۳. هم‌افق بودن فلسفه اسلامی با دین به لحاظ ساحت‌ها و مسائل ...
۳۳۱	— ۴. سازگاری عقل و دین
۳۳۶	— ۵. قصور عقل
۳۳۸	— ۶. هدایتگری و تتمیم عقل توسط دین
۳۴۰	— روش عام و نحوه بهره‌گیری از دین در فلسفه
۳۴۰	— ۱. بهره‌گیری نادرست از دین در فلسفه
۳۴۲	— ۲. روش عام؛ روند و شیوه بهره‌گیری فیلسوف از متون دینی
۳۵۲	— گونه‌های بهره‌گیری از دین در فلسفه
۳۵۲	— ۱. مسأله‌سازی
۳۵۲	— ۲. بسترسازی
۳۵۳	— ۳. ایجاد تصویر صحیح
۳۵۴	— ۴. به دست آوردن حد وسط
۳۵۵	— ۵. استفاده از دین به مثابه میزان فلسفه

۳۵۶	— نمونه‌هایی از بهره‌گیری فیلسوفانه از متن دینی
۳۵۷	— (۱) معاد جسمانی
۳۵۷	— (۲) بداء
۳۵۸	— (۳) حدوث زمانی عالم
۳۶۰	— (۴) مرگ طبیعی
۳۶۲	— (۵) اتحاد عاقل و معقول و اتحاد نفس با عقل مفارق
۳۶۲	— (۶) معراج جسمانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله
۳۶۳	— نتایج بهره‌گیری حکمت متعالیه از دین
۳۶۳	— ۱. تبدیل حکمت حقه به حکمت اصطلاحی
۳۶۵	— ۲. اسلامی شدن فلسفه
۳۶۸	— امتیازهای حکمت متعالیه در بهره‌گیری از دین
۳۶۸	— ۱. جلوداری حکمت متعالیه در اسلامی بودن
۳۶۸	— ۲. آمیختگی فلسفه و تفسیر در حکمت متعالیه
۳۶۹	— ۳. تحقق فلسفه شیعی در حکمت صدرایی

فصل ششم

مختصه پنجم: هضم آموزه‌های عرفان نظری در حکمت متعالیه

۳۷۳	— درآمد
۳۷۷	— بستر تاریخی بهره‌گیری ملاصدرا از عرفان نظری
۳۷۹	— مبانی بهره‌گیری ملاصدرا از عرفان نظری
۳۷۹	— ۱. برتر بودن راه کشف نسبت به راه عقلی
۳۷۹	— ۲. محدودیت و قصور عقل
۳۷۹	— ۳. برتر بودن هستی‌شناسی عرفانی

۳۸۶	گونه‌های بهره‌گیری ملاصدرا از متون عرفانی
۳۸۶	۱. الهام‌بخشی
۳۹۰	۲. تأیید دستاوردهای فلسفی
۳۹۱	۳. فهم مسائل عمیق
۳۹۲	۴. راه‌حل‌های جدید برای مسائل فلسفی
۳۹۴	۵. بهره‌گیری از برهان‌های عارفان
۳۹۶	تلاش‌های ملاصدرا در خصوص عرفان نظری
۳۹۶	۱) استدلال بر معارف عرفانی
۳۹۹	۲) تقریر و تحریر مطالب عارفان
۴۰۳	۳) بیان مطالب عارفان با زبان غنی‌تر، فنی‌تر و تعلیمی‌تر
۴۰۴	۴) بهره‌گیری از زبان عرفانی به مثابه زبان فلسفی
۴۰۶	نتایج هضم آموزه‌های عرفانی در حکمت متعالیه
۴۰۶	۱. نیاز به عرفان نظری برای فهم عمیق فلسفه صدرا
۴۰۸	۲. احیای عرفان حقیقی
۴۰۹	۳. شکل‌گیری دوره سوم عرفان نظری
۴۱۱	۴. شکل‌گیری دوره‌ای تازه در جریان تربیتی و سلوکی عرفانی
۴۱۳	۵. همراهی عقل و دل

خاتمه

۴۲۱	چگونگی انسجام مختصات پنج‌گانه در راستای هویت فلسفی حکمت متعالیه
۴۲۱	مختصه هویت فلسفی
۴۲۳	مختصه روش خاص
۴۲۴	مختصه‌های روش عام؛ هضم دین و عرفان نظری در فلسفه
۴۲۵	مختصه وجودی

فهرست

۴۲۷

فهرست منابع

۴۲۹

کتاب‌ها

۴۳۷

مقالات

۴۳۹

فهرست آیات

۴۴۳

فهرست روایات

۴۴۵

فهرست نام‌ها

۴۵۱

فهرست کتاب‌ها و مقالات

۴۵۹

چکیده

۴۶۱

الملخص

۴۶۴

Abstract

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم
ستایش خدایی را سزااست که حقیقت وجود و کمالات مخصوص بدان در انحصار اوست. همو که نور وجودش همه جا را در نور دیده و حکمت تام و کاملش مخلوقات را در پی هم به دار هستی فرود آورده و فخر وجودش همگان را به خضوع واداشته است. سپاس بی حد از آن حکیم مطلق است که عقل را به آدمیان ارزانی داشت و راه شهود را گشود و شریعت سراسر حکمت خود را بی دریغ در اختیار همگان نهاد و درخت فلسفه و حکمت را در جان بندگان و یژه اش با استواری نشانند.

سلام و درود فراوان بر معلّم حکمت، مزگی سراسر رأفت، پیامبر رحمت، عقل کل، خاتم رُسل، محمد ﷺ، و نیز درود بی پایان بر معادن حکمت و خزائن حقیقت، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، آنها که کلامشان قدسی، و منطقشان مبرای از هر خطا و کجی، و خردشان آسمانی، و عملشان نورانی است.

فلسفه اسلامی در بستر تاریخ، فهم فیلسوفانه و یژه ای را از عالم و آدم رقم زده است. این فلسفه در سیر تاریخی اش توانسته است پرده ها را از چهره بسیاری از حقایق کنار زند و خردمندان فرهیخته را در درست دیدن و درست فهمیدن و درست ساختن خود یاری رساند.

تلاش‌ها و کوشش‌های فیلسوفان برجسته و پرشمار مسلمان در طول تاریخ پرنشیب و فراز فلسفه اسلامی، بیشتر در مکاتب فلسفی مشائی، اشراقی و حکمت متعالیه به بار نشست و رخ نمود. باید اذعان کرد که بر تارک سنت فلسفه اسلامی، بیش و پیش از همه، حکمت متعالیه می‌درخشد. این مکتب فلسفی به دلیل قوت‌های عقلی‌اش، بسط و شکوه بی‌همتایش و انسجام اندیشگانی‌اش، توانسته است خردمندان و فیلسوفان فرهیخته بسیاری را به خود جذب کند. از این رو این مکتب فلسفی، که در سده یازدهم هجری با حکیم سترگ دوره اسلامی، صدرالمآلهین شیرازی رحمه الله پای به عرصه وجود نهاد، تا اکنون هم‌چنان و بی‌توقف به حیات علمی و معنوی خود ادامه داده و بسط یافته است. بزرگانی چون فیض کاشانی، ملاعلی نوری، حکیم سبزواری، آقاعلی مدرس، آقامحمد رضا قمشه‌ای، آیت‌الله شاه‌آبادی، علامه طباطبایی و حضرت امام خمینی رحمه الله از پیروان این مکتب به شمار می‌روند.

به بیان دیگر، حکمت متعالیه هرچه از آغاز خود، یعنی سده یازدهم، بیشتر فاصله گرفت، بیشتر مورد اقبال قرار گرفت، تا جایی که در سده‌های اخیر میدان‌دار بی‌رقیب عرصه‌های علمی و فلسفی گشته است. در این سده‌ها هرچند فلسفه‌ورزان و اندیشه‌وران و پژوهشگران در افکار فلسفی، در کنار حکمت متعالیه به مطالعه و تأمل در آثار فلسفی مشائی و اشراقی نیز پرداخته‌اند، اما به طرزی شگفت، حکمت متعالیه فکر و ذهن آنها را به خود جلب کرده و مشغول داشته است. این گونه اثرگذاری و فراگیری حکمت متعالیه، آثار علمی و عملی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه داشته است.

تأثیرات علمی حکمت صدرایی را می‌توان در عرفان، تفسیر، کلام، اخلاق، سیاست و حتی در عمل معنوی مشاهده کرد. دوره سوم عرفان نظری، که ورزیدگی، نکته‌سنجی و ژرفایی ویژه‌ای دارد، به دست ملاصدرا و پیروان محقق حکمت صدرایی رقم خورده است، که در جای خود بدان پرداخته‌ایم.

تفسیر متون دینی پس از صدرالمآلهین به نیرومندی روشی و محتوایی ویژه و بی‌سابقه‌ای دست یافته است. آثار ملاصدرا، فیض کاشانی و علامه طباطبایی گواه روشنی بر این مدعایند. بدین نکته باید در محل مناسب خود به تفصیل پرداخت، که به بخشی از

آن در بحث تحقق فلسفه اسلامی، ذیل دروس حکمت متعالیه، پرداخته‌ایم. به هر روی، بستر پرجاذبه عقلی قرآن کریم در این آثار بیش از پیش رخ نموده است. این آثار، فهم درست عقلانی از قرآن کریم را بسیار مدد رسانده‌اند.

دانش کلام نیز با تلاش‌های ملاصدرا و پیروان وی به پختگی و سختگی بسیاری رسیده است، هرچند خواجه نصیرالدین طوسی در عصر خود زحمات‌های فراوانی را متحمل شد تا دانش کلام با چهره فلسفی و حکیمانه رونق بگیرد. در دوران شکوفایی حکمت صدرایی مباحثی ژرف همچون بدء، حدوث زمانی عالم، تشبیه در عین تنزیه، شعور موجودات، وحی و مانند اینها، همراه با تحلیل‌های عمیق فلسفی به آسانی به دانش کلام راه یافته‌اند. در دانش اخلاق نیز با اندیشه‌های تازه مکتب صدرایی، همانند حرکت جوهری نفس، اتحاد عمل و عامل در صحنه جان، تفسیر ملکات بر حسب اتحاد عمل و عامل، تقسیم سه‌گانه رذایل به بهیمی، سبعی و شیطانی، و مانند اینها، قدرت طبقه‌بندی و تحلیل بهتری به دست آمده است که می‌توان ثمرات آن را در آثاری چون جامع السعادات، نگاشته نراقی بزرگ رحمته الله و شرح حدیث جنود عقل و جهل امام خمینی رحمته الله مشاهده کرد.

در سیاست، اندیشه‌هایی مانند جدایی‌ناپذیری قرآن و عرفان و برهان، توحیدمحوری ناب و نهایی، شریعت‌مداری مبتنی بر تحلیل فلسفی از جایگاه وحی و نبوت، آموزه عبودیت با تفسیر ژرف اضافه اشراقی و وجود فقری، نیاز و کمال‌جویی انسان در تشکیل جامعه، جهات سه‌گانه نبوت و نیز تفسیر امامت و حضور اندیشه سفر چهارم عرفانی در آثار ملاصدرا و مانند اینها، زمینه‌ساز پدید آمدن فلسفه سیاسی مناسب در میان پیروان حکمت متعالیه گردیده است. شخصیت‌هایی چون آیت‌الله شاه‌آبادی و امام خمینی رحمته الله و شاگردان امام از این بستر فلسفی در این زمینه بهره برده‌اند و از همین رو بستر عقلانی و فلسفی در کار این محققان آشکارا دیده می‌شود. حتی به جرأت می‌توان گفت حکمت متعالیه از ریشه‌های انقلاب اسلامی ماست.

در نسبت دین و مسائل اجتماعی و سیاسی در سده‌های اخیر با دو جریان روشنفکری و قشری‌گرایی خاصی روبه‌رویم که هر دو می‌خواهند نسبت دین را با مسائل اجتماعی و سیاسی کم‌رنگ و بی‌رونق نشان دهند. اندیشه‌های صدرایی در این زمینه به پیروان

ملاصدرا این امکان را داده است که یکی از جریان‌های عمدهٔ مقابله با این نوع افکار به شمار آیند. علامه طباطبائی، شهید مطهری، شهید بهشتی رحمتهما الله، حضرت استاد جوادی آملی رحمته الله، استاد مصباح یزدی رحمته الله و در رأس همه، حضرت امام خمینی رحمته الله و رهبر معظم انقلاب رحمته الله در زمرهٔ پیروان مکتب حکمت متعالیه بودند و هستند که با این جریان‌ها به مخالفت برخاسته و دیانت را عین سیاست دانسته‌اند و حضور دین را در صحنهٔ اجتماع، جزء جدانشدنی آن شمرده‌اند. باید دانست که انقلاب اسلامی در چنین بستری رشد کرده است. در همین راستاست که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله بر حل مشکلات تئوریک انقلاب بر پایهٔ حکمت متعالیه تأکید کرده‌اند.

حکمت متعالیه نه تنها در صحنه‌های گوناگون علوم خود را نشان داده و ذهنیت‌ها و فرهنگ عصر ما را ساخته است، بلکه در صحنه‌های عملی نیز حاضر شده و عارفان و موحدان بسیاری را در جامعهٔ اسلامی پرورده است. عارفان بزرگی چون فیض کاشانی، آقامحمد بیدآبادی، ملاعلی نوری، ملاهادی سبزواری، قاضی طباطبائی، علامه طباطبائی رحمتهما الله و استاد حسن‌زاده آملی رحمته الله نمونه‌هایی از نسل عارفان سنت صدرایی به شمار می‌روند. این نسل توانسته است پرچمدار معنویت و عمل معنوی و عبادی در جامعهٔ اسلامی باشد. این چنین مکتب فلسفی پرتوان با چنین نقش‌آفرینی‌های شگرف، نیازمند بررسی‌هایی همه‌جانبه است تا هویت و جوهرهٔ آن به شایستگی به دست آید و فهم شود و مؤلفه‌های اصلی آن بازشناسی شوند، تا با بصیرت بیشتر و دقتی دوجندان بتوان از آن بهره بُرد. از سوی دیگر، برای آنکه زوایای گوناگون مکتبی فلسفی، مانند حکمت متعالیه، برای مشتاقان آن بهتر روشن شود، لازم است آن مکتب به صورت کلان و نظام‌مند بررسی شود. وجود نگاه کلان و نظام‌مند به هر فلسفه‌ای، فهم درستی از آن فلسفه را به صورت کلان برای پژوهشگر در آن فراهم می‌آورد و موجب می‌شود که زوایای نیمه‌پنهان و گاه کاملاً پنهان آن فلسفه برای او آشکار گردند. این نوع نگاه موجب می‌شود پایگاه‌های نخستین و انسجام درونی فلسفهٔ مورد پژوهش و روش‌های به کار رفته در آن فرادید آیند و حتی گاه باعث می‌شود نگاه اجتهادی و صائب بدان فلسفه شکل بگیرد، و بلکه پژوهشگر را قادر می‌سازد تا به‌سان مؤسس آن فلسفه بتواند بدان بنگرد و در آن بیندیشد.

از این رو ما در این اثر در صدد عرضه‌ی نگاهی کلان و نظام‌مند به حکمت متعالیه برآمده‌ایم. برای دستیابی به چنین نگاهی، روش مختصاتی را برگزیده‌ایم و به پنج مختصه اصلی حکمت متعالیه دست یافته‌ایم. البته برخی از این مختصات در مکاتب دیگر، مانند فلسفه مشائی و اشراقی نیز موجودند؛ مختصه فلسفی بودن را فلسفه‌های مشائی و اشراقی نیز دارند و مختصه روش اشراقی-بحثی در حکمت اشراقی نیز به چشم می‌خورد، هرچند تفسیرهای حکمت متعالیه در این زمینه غنی‌تر و پخته‌تر به نظر می‌آیند. اما مختصه وجودی بودن تنها متعلق به حکمت متعالیه است. به هر روی، شیوه مختصاتی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم تمام زوایا و جوانب حکمت متعالیه را فرادید آوریم و با توجه به مختصات بیان شده، خواننده می‌تواند حال و هوای کلان این مکتب را به طور نظام‌مند درک کند، هرچند برخی از این مختصه‌ها در برخی مکاتب دیگر، مانند فلسفه مشائی و اشراقی نیز وجود دارند.

در این کتاب کوشیده‌ایم نشان دهیم که این پنج مختصه به صورت نامنسجم و غیر واقعی در کنار هم قرار نگرفته‌اند، بلکه حقیقتاً به صورت نظام‌مند با همه مؤلفه‌های فلسفه به عنوان فلسفه، با هیئت فلسفه با هم درآمیخته‌اند. بر این اساس این پنج مختصه به صورت جمعی، مزاج و ترکیب ویژه‌ای را فراهم آورده‌اند که به طور طبیعی هویت متمایزی را به ما می‌نمایانند. دستیابی به این هویت ممتاز و ویژه موجب می‌شود پژوهشگر در حکمت متعالیه، آن را به درستی بفهمد و با آن همراهی کند.

در این اثر پیش از بحث‌های اصلی مختصات، به زندگی‌نامه مؤسس حکمت متعالیه نیز نگاهی افکنده‌ایم. این زندگی‌نامه خود نشانه‌ای برای فلسفه ملاصدرا و در حکم درآمدی بر بحث‌های مختصات این حکمت است. از سوی دیگر این اثر قرار است حکمت متعالیه را معرفی کند، و شناساندن آن بدون بیان زندگی‌نامه علمی پایه‌گذار این مکتب زنده و پویا در جهان تفکر عقلی اسلامی، چندان شایسته و ثمربخش به نظر نمی‌رسد.

این کتاب فراهم آمده از بحث‌های سال نخست دروس حکمت متعالیه این جانب است، که در حضور جمعی از مشتاقان حکمت از طلاب حوزه علمیه قم، که خداوند آن را از هر بلا و آفت دور بدارد، برگزار شده است. این درس در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ آغاز شد و آنچه در چهل‌واندی جلسه نخست در این سال تحت عنوان «مختصات حکمت

متعالیه» مطرح شد، توسط فاضل گرانقدر، حجت الاسلام حمید آقائوری رحمته الله در همان سال پیاده سازی شد و تدوین اولیه آن صورت گرفت. از ایشان به خاطر قبول این زحمت بسیار سپاسگزارم. سپس فاضل ارجمند حجت الاسلام رضا درگاهی فرید کار تحقیق و تدوین و نگارش نهایی را بر عهده گرفتند. ایشان مباحث این جلسات درسی را همراه با مباحث جلساتی خصوصی، که در تکمیل آن مباحث با حضور جمعی از فضلاء حوزه برگزار شد، در تدوین نهایی مد نظر قرار دادند و کوشیدند تا این اثر خوش خوان و مطبوع طبع خوانندگان محترم گردد. از ایشان نیز سپاسگزارم. همچنین از مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی و کارگروه دانشیار در این مؤسسه، به خاطر پشتیبانی از حدود نیمی از نگارش و تدوین نهایی و از مؤسسه آموزشی و پژوهشی نفحات برای پشتیبانی از تدوین و نگارش بقیه اثر و نهایی شدن آن و نیز از انتشارات آل احمد علیه السلام برای چاپ این کتاب صمیمانه تشکر می کنم. خداوند به همه این عزیزان اجر و ارج عطا فرماید.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سیدید الله یزدان پناه

۲۵ ذی قعدة ۱۴۴۱

برابر با ۲۷ تیر ماه ۱۳۹۹